

نامه یه ...

نیست . من در روز دوشنبه از ناروا تان نخورد . ندا داشت که حتی یا بیشتر از آنکه بیرون بقادر و نشستم به سر او به این چهره زرد و تکیده و ریزه ریزه جریک و زجر تکیده زرد زرد . او خوابید و من بالای سرش نشستم و به این رویای زیبا که در برابرم بود . من او را به سستی می توانستم بسازم کنم . تیره ماندم و گریستم . تو خوابم می آید از آن روزی که رفتی و من را با خودت ابار گونه ای این را ببینید . این رویا در نیمه شب دومین روزی که از بازگشت او می گذشت میبید به خوابم شد . نیمه شب در آنجا دارا زدنند . سرم در خواب بود . برای آن که بیدار نشدم به سر می بردم و در خوابم و آنرا نشنودم . ندانم تا تشنگی بدانم من توی تو نشنیده بودم که با تریه لگد در راه چهار تان کردند و با افتخار و مسلسل به درون خانه ریختند . در یک لحظه در بر پرچشهای میرتوبه من او را از رخت زاب بیرون کشیدند و بی آن که فرصت لباس پوشیدن به او بدند ، کتان کتان روی زمین کشیدند و به طسرف در خانه بردند . عده دیگری شروع به واری تمام سوراخ سنبه های خانه و سوراخ کردن و پاره کردن بالین ها ، لحاف ها ، شکستن ماشی های در دیوار و موزائیک های کف زمین و واژگون ساختن یخچان و اهرای نمودن رادیو و سرنگ کردن کیسه شکر و نمک و لوبیا و واری لباس ها و پشمهای من کردند . من و شست زده و بیرون نریادم : " از میان چه می خواهم " گفتند : به توانی نداریم عدنیان بسمت آمده ایم . گفتیم : ولی او کاری ندرده است . سهیل و شست ساعت بیشتر نیست که آزاد شویم و باید وارد این مدت پایتس را از خانه بیرون نماندیم .

یکی از آن خول های بی شان زدم که قیافه اش از تمام مجسمه های آبروی که در تمام میدان های شهر ما است بی آبروتر و گریه تریود سرم داد آسیده : زن و این حرف ها به ما مربوط نیست . به ما گفته اند که ما را باز داشت کنیم . دلیلش را برو از رسانی ما بیرون .

التماس کردم ، زاری کردم ، اما فایده ای نداشت . دست آور بصرم را در آغوش کشیدم . چه کشیدم که تا وقتی من زندام نمی دارم از این جا بپرید . اما آن ناپالک می به گوشه های بوتایم کردند و سرم را که از ششم لب به دندان می گزید با خود بردند . آن به بدنگار من شد در به در نسیان زندان بسمت نشستن به نصیته زندان خبر داد رسمی ارتش اداره ساوا تیران در پایبان عینده توی پایبان بولسار سرزدن به اداره مرکز ساواک در ریه خانه رفتن و از آنجا بی نتیجه رسیده به زندان این آمدن . اما اشک های من مثل جیست و جویای من می باید می نداشت . من استغاثه می کردم به قتل دو کلام نوشته از بصرم به من نشان بدهید . ولی جز شکست و ناله تصدع رومتی دشنام جوابی به من ندادند . تا وقتی سرانجام به این رانده شدم . در آن

خیلی عظیمی چون خودم یافتم . پس از چند دیدار با آن ما مانوس شدم . به زودی دریافتم که بسیاری از اینسان از من تیره روز ترند اما با همه شور و تنوری خود و عجز و التماس نمی کنند و تریه نمی کنند ، می نندند و در این ننده کسی دانم با این جانشان آمیخته است ، غرور و سرافرازی عجیبی وجود دارد .

دانشتین کسی که در میان این تامل در صفت تو بهم را جلب کرد مردی با چاتی بود با عونا می سید . نه به او دسترام می گذاشتند . در رفتارش متانت و خشمت غریبی بود . از یک خانم چادری آکسید پسرش در زندان بودند و او چند هفته رفت و آمد به این ها و دوست شده بودم پرسیدم : این آقای کیست ؟ گفت : چطور ایشان را نمی شناسی ؟ ایشان آقای رشایی هستند که چهار سرویک دستش به دست دوشیمان شهید شده اند و سرویک پسر یک دست تو و او ورزش هم زندانی هستند .

آقای رشایی کمتر حرف می زد و بعد ایش اگر وقتکم بود وقتی شروع به صحبت می کرد ، آن قدر جدی و صبریان سخن می گفت که همه درد رایشان را فراموش می کردند . او میگفت نیمه از خانواده من در اوین و نیم دیگرشان در زندان قصر هستند . حرفه باید هم قیافه گریه دوشیمان شهرتانی و هم میوزاب های ساواک را تحمل کنم .

آقای رشایی می گفت : چرا مرانی می کنند . این طوری تمام خانواده در زندان جمع می شوند .

زن جوانی با چشمان درشت سیاه و جذاب در حالی که دست دختر کوچکی را در دست دارد ، به ملاقات شوهرش آمده است . او مصر کشایی است که به زندان ابد محکوم شده است . هنگامی که شوهر در پنجه تاه شاه بود ، حسر حفظ او را در شکم داشت . وقتی این نوزاد متولد شد با توجه به سر نوشت پدرش او را " آزاده " نام گذارند . محسرجوان کشایی در حالی که دست دختر کوچکش را در دست دارد ، به دیگران دل داری می دهد . می گوید : حال فرزندان و شوهران و پدران ما در زندان ها بپرسند . من به طمع بیشتر از این ها ایمان دارم .

مادری که چادر سیاه بلندی بر سر داشته از ما صوران خواستش می کرد که به او اجازه دهند فقط از دور پسرش را ببیند . مخاطب او رسولی و شکنجه گرمخورد و سفاکی بود که شورشش شهرت ابله است . او در بی شرفی و نالت و سفندای و خالون استثنایی خدا است . بیرون به رسولی می گوید : برای محافظت با بصرم آمده ام . می خواهم بروم گریه با بصرم سید الشهدا . شما را هم دعا می کنم . اجازه بدید بصرم را ببینم . فقط یک نگاه .

رسولی با بیوفی و نده و تصدع جواب می دهد : از دست امام حسین هم کاری ساخته نیست . برو بی کارت .

مناسبت ششم لرس (۱۷ اسفند) روز بین المللی زن

سیمای زن در جامعه کنونی ایران

خانه و در مزرعه و کار خانه استشاری شود و او آرزوی يك شكم سير برای كودكانش و پوشیدن يك لباس نو در شب عيد دارند. محرومیت زن ایرانی علی رغم تبلیغات رژیم و در تمام زمینه ۱۰ (سیاسی ، اقتصادی ، خانوادگی) در اساس تغییر نکرده است . شرکت چند نماینده زن ختفیدر بار در مجلسین به معنی آزادی سیاسی توده وسیع زن ایران نیست .

وساطت تبلیغاتی رژیم ، چندین سال در باره یکی از اساسی ترین مباحث حقوقی مدنی یعنی قانون ازدواج ، مروج راه انداختند و با انتشار نوشته هایی با عناوینی از قبیل : " طرح جدید قانون خانواده ، بسیاری از تمیيزات ناروای خانگی را از بین می برد " خواستند مردم را بفریبند و سرانجام قبل لایحه حمایت خانواده موشی زائید و هیچ گونه تغییر اساسی بر قانون حمایت خانواده به وجود نیامد .

هزاران زن در کارخانه های پنبه پاك كسی ، قالیبافی نساجی ، نیروی کار خود را به بهای بسیار ارزان می فروشند و ظالمانه از آن ها بهره گیری می شود . همه آن ها در زیر پوشش بیمه اجتماعی قرار نمی گیرند و در دوران عطای به جای حمایت از آن ها ، از کارخانه رانده می شوند . زنان روستایی نیز با کار در مزرعه ، آرسنیک در شمالی زارها و با جمع آوری چوب و شاخه برای گرم کردن خانه و کاشانه خود صبح رابه شام می رسانند . دست های استخوانی و زخم کشیده آن ها ، از کار دشوار روزانه حکایت می کند . درمانگاه در اغلب روستاها وجود ندارد و زنان کودکان بیمار خود را از روستای به روستای دیگری برند ، تازه در يك ناحیه ۲۰۰ هزار نفری يك درمانگاه وجود دارد و آن م دکتر كميك ندارد . زنان " گشاه " (از توابع بوشهر) کودکان بیمار خود را به دوش کشیده و به بوشهر می برند ، زیرا در " گشاه " درمانگاه و پزشك اصولا وجود خارجی ندارد . بدین ترتیب زنان روستایی از ابتدای ترین وسیله رفاه و آسایش محرومند ، زندگی آن ها با زور و زحمت شروع می شود ، در مزرعه می زایند ، بچه خود را به پشتی بندگی و کاری کنند . زنان زحمتکش دیگر کشورها : زنان رختشویی زنان مستخدم ، زنان کارگران ماهه ، موجودات سرگردان در سه دری ، ستند که زندگی اند و عبا رآنان ، جوانان راضی و متاسف می آند . این زنان با درد و مشقت لقمه نانی به دست می آورند و آه يك یا چند کودک را نیز با همین نان به روز می باید سیر کنند . زندگی این موجودات که از گوشه های گوشه دیگر بیستاب می شوند ، نمونه کامل نقد ان عدالت اجتماعی در جامعه کنونی ایران است .

زنان کارمند دولت نیز امروز در سخت ترین شرایط در اوقات بقیه در صفحه ۴

کشور ما در ایران در دهائی از تاریخ خود را می گذرانند . امیرالیهسم برای حفظ مونس بیانی خود در ایران همراه می گویند و رژیم مدعی و نمودموزاتیک ایران با او همکاری می کند . در آید نسبت به جای این و برای بهبود زندگی مردم به کار رود ، صرفه رید اسلحه می زند . گرانی اقساط فرسایش ، کمبود کالا ای نیروی از جمله نان ، گوشت ، قند ، پیاز ، سیب زمینی مردم را به ستره آورده است . در جامعه ای با چنین ویژگی که زندگی مردم ، تابلوی حسزن انگیزی است ، در آن از امنیت و رفاه و آسایش اثری دیده نمی شود ، زنان و مادران ایرانی دست به گریبان مشکلات بیشتری هستند . رژیم ضد خلقی ایران ، بنا به سیاست پیش ام و لا توجهی به بهبود اساسی و واقعی زندگی زن ایرانی ندارد . رژیم زن را از خانه جدا کرده و در تولید اجتماعی شرکت داده ، بدین غلظت که از این بیشتر مورد استشار و حیسانه قرار داد و مان از بزرگ شاه و اشرف را برآورد بار هتصرف کرد مانند زنان در تولید اجتماعی شرکت می دهند تا کمبود نیروی انسانی در ایران بران شود .

مجلسین تجاری رژیم درباره آزادی زنان ایران و شرکت اساسی به کاری برند ، در استان های و روزی پاره سینما و لابلای نوشته های روزنامه ، ا مجلات و زن ایرانی را به صورتی غیر قابل قبول جامعه تصویر می نمایند . ترسیم زندگی متحد انگشت شماری از زنان بسیار مرغه ایرانی و فقط به خاطر این انتظار کردن مقام زن ایرانی و اثبات نظریه ارتجاعی شاه است که در جامعه مایه های زندگی و در بابانوفالاجی روزنامه ناکارائالیایی چنین ابراز نمود : " . . . زنان استعداد و لیاقت برابری با مردان دارند " .

فقط کودکان فراموشی کنند یا می خواهند فراموش کنند که در جهان زنانی چون روزالوکزامبورگ شاه زویا ما ، ترشکرها و صد نفر از زنان برجسته وجود داشته و دارند و در هر روز و بوم ایران بزرگ اعتراضی ، م محترم اسکندری ، و زندگی و سخت ها و مد از این مبارزونیستده و شاعر برورده شده است . به قول روزنامه " جیل الصنین " در یکی از روزها در ای بین اردوی انقلابی ستارگان با لشکریان شاه ، بین کشته شدگان آنده بیرون جسد بیست زن مشروطه الیه و لباس مردانه پیدا شده است . مدد خاندان بهسرانی چون : امدت بر راه و شید تیزی ای ، نادرشایگان ، و زنی ، ا تدیم ، امداد ایران گردانند ، ترسیم و شناساندن بدین تصویر ، ای بی تردید ، مورد نامرطیوعات دولتی قرار نمی گیرد و پشت کس کردن زندگی زنان عادی ایران ، از وظیفه مایه ها ، و دستگاه ان تبلیغاتی دولت خارج است . زن عادی ایرانی از گرسنگی بیماری کودکانش رنج می برد . او در

سیمای زن . . .

دولتی یا در بدستان اردبیلستان، اربیمارستان، به کار مشغولند، با وجودی که روزانه ساعات کار صاوی با مردان دارند و ولی از لحاظ مزایا و امتیازات است. این اداری با مردان صاوی نیستند. در وزارت: آنچه هنوز زنان در تار و پود سیاسی است، دانی شوند. هنوز حقوق باز نشستگی زنان کارمند پیر از فوت به فرزندانشان تعلق نمی گیرد، مادری که تحت تکفل است، تو است، پیر، از فوت، تو، حقش برای تامین مصاشف و در ریافت نمی آید. زنان کارمند نه تنها بارد شواری زندگی، انوادی را به دوش دارند، بلکه در صورت و ادارات با وجود کار صاوی، تمیلات صاوی، ملیت است صاوی، حق صاوی با مردان ندارند.

قشر وسیعی از زنان ایران را زنان خانه دار تشکیل می دهند. کرانی و ناپسامانی، کمبود درآمد، عدم بیکاری، شومر، اجاره بیگ، سرسام آور، اینها صائلی است که فکر زن خانه دار به خود مشغول می دارد. علاوه بر این خود به عنوان یک فرد جامعه از هر گونه حقوق و امتیازی محروم است.

روزنامه اطلاعات، سه تنگوی خطبه های رژیم، بیرون آمدن که زن خانه دار ۲۸ ساله ای که تادریه تاجین صاوی چهار فرزندش نبود به جاده کوچ رفت و در آنجا خود را با بنزین آتش زد. روزنامه اطلاعات به این فاجعه غم انگیز توجهی بدین ترتیب ارائه کرده است: "این زن پیر از خاموش شدن یکی در سلامت زنده بود و در این حدت آید، چون نمی توانست صاوی، چهار فرزندش برای تعیین هر د از عادت به شوکتی زده است". در مانند گی این زن نمودار وضع اند و بیمار عیون ما زن ایرانی است که با تنگدستی و مشقت فرزندانش خود را بیزد می کنند.

در آخرین لایحه قانون حمایت خانواده تصویب در رژیم "منجی زنان ایران" تعیین کننده روز "مادر" هنوز تفسیر صفور تحت ولایت قهری، در خود می باشد. این ماده سال است، که طلب مادر ایرانی را میسر نماند. صائلی که جانان شده در این ماده، مانند و بارترین قسمت زندگی مادر ایرانی است. در دوران کودکی را این چنین بهرمانه از آفتوس مادری ربایند و زمانی که مادر کودک را با تامل در درونم بسیار بزرگ کرد او را به سر بازی می برند و به جنبه، المانه علیه جنبش ظفاری می کنند. راجعی زندان می کنند و شکنجه می دهند، به جوبه اهدام می بندد و اینها همه درد این است که مادر ایرانی از رژیم قانیمستی ایران می کشد. سال است که شیین تادریه از مادران ایران در سوگ فرزندانشان، ایان نمی یابد و روز مادران تقداری کرد و سال است که عید به خانه مادری که جگر گوشه ایشان با کوله دوشیمان از برای درآمد هاند، راهی ندارد و این مادران که وکیل او کسری دارد و امان خود پرورش داده اند، سهم بسیار ارزنده ای در تاریخ زین مبارزات ملت ایران ایفا نمودند. وجه ارزنده و گرامی است و نقش این مادران برای خلق ای ایران.

دختران: خانواده های زحمتکش ایران بازگودگی همی ای مادر بود و در مزوره یاد رکازانه نگاری کنند و نگهداری خواهری برادر کوچکتر خود را بشم به عهده دارند. از سپیده صبح تا غروب آفتاب به قالی بافی، پشم ریزی، آبیوه بافی، قلابدوزی و کارهای دستی دیگر مشغولند و اینها یاد کرده اند و به زندگی پر زحمت خود ادامه می دهند و یابد فرزندی بهتر را می بینیم، می شوند و همه می دانند سر نوشت این قربانیان جامعه در شومرهای غریب چه، حزن انگیز است.

در توان شهری سر نوشتی بهتر از و ایران روستایی بودند دارند و در تمام دوران تحصیلی با تنگدستی در سر می آید و بیانگروانی و از باراب به آینده خود غم می کنند. پس از تحصیل چه، و اعمده شد آنچه سر نوشتی در انتظار آن، ما است؟ تمام آرزوها و خواست های این دختران جوان در مره غلیظ آبها و تاریکی نهفته است.

دختران دانشگاهی مانند برادران، و در حق دخالت در سیاست رانند. ساواک در سال های بیرون دست بسته آنان را روانه زندان می کند و شکنجه می دهد و زیر شکنجه به هلاکت می رساند و ولی دختران مبارز ایران، و امیران نیرو و مبارز خود را دنبال می کنند و درس مبارزه را در کتب پهن پرستی و پرستش می آموزند و اندیشه آن، ما متوجه نجات خلق ایران است.

زنان ایران آگاهند که جنبش زنان ایران نمی از جنبش انقلابی مردم ایران است و با بیروزی انقلاب است که زنان می توانند بدون برابر مردان خود باشند.

خبر روزیه در ادگاه نظامی گفت: "زنان بیدار دل کشور ایران در عطفه سال اخیر با شرکت فعالانه در مبارزات درخشنا مردم و تحت رهبری حزب پر افتخار توده ایران ثابت گردماند که می توانند دوش به دوش مردان به خاطر سعادت ملت و میهن خویش بکوشند . . ."

فعالیت اجتماعی زنان ایران، در شرایط کنونی کشور ما، با استفاده درست از اشکال متنوع مبارزه ورزشی، مسس شگرف دارد. زنان کشور ما می توانند و باید با مبارزه خستگی ناپذیر و اتحاد عمل خود، شواری ای کوه مانند راه طولانی مبارزه را هموار کنند و دوش به دوش مردان برای بیروزی جنبش رهائی به نرس مردم ایران دلیرانه مبارزه کنند.

زنان ایران

برای نیل به آرمان های خود

به صفوف مبارزین راستین بپیوندید

لبنین درباره آزادی زن

"... دموکراسی، پروری و پرورش و در واقع نوید برابری و آزادی زن است و ولی در عمل عیناً جمهوری و پروری و حتی پیشرفته ترین آن به زنان که نمیی از جامعه بشری را تشکیل می دهند و برابری کامل قانونی با مرد و نیز آزادی از قید تبعیت برستم مردان برانداخته است."

"مهم ترین گام برای آزاد کردن و لغو مالکیت خصوصی بر زمین و دارنده و کارگاه است. از این طریق و فقط از این طریق همراه برای آزادی کامل و واقعی زن، برای "رهایی او از بردگی"، "انگلی" و تبدیل اقتصاد کوچک انفرادی به اقتصاد بزرگ اجتماعی ضروری شود."

"مادام که زن هنوز به امر خانه داری است و"

"همچنان آزادی این محدود است. برای تامین آزادی کامل زن و برابری واقعی او با مرد باید موسسات خدمات عمومی دائر شود و شرکت زن در کار تولیدی اجتماعی تامین گردد. آنگاه زن با مرد برابری خواهد بود."

"هیچ تحول سوسیالیستی بدون آن که بخش مهمی از زنان زحمتکش در آن سهم موثر داشته باشند ممکن نیست."

"برابری در زمینه قانون و تفویض معنای برابری در زندگی نیست. ما باید بگوئیم تا زنان نه فقط در زمینه قانون، بلکه در زندگی نیز از حقوق برابری برخوردار شوند."

مقیده واقعی شاه درباره زنان

"ارزنان برای يك مرد فقط زبانی است که زن زیبا و غناز باشد و بداند چگونه زن بماند."

این داستان آزادی زن امن نمی داند این فئینیت ها چه می خوانند؟ واقعا چه می خواهند؟ شما می گوئید برابری حقوق می خوانند و حقیقتا که این نمی خوانند بی ادبانه صحبت کنم، اما... زن ها می خواهند برابری قانونی داشته باشند. ببینید که من این طور صحبت می کنم ولی این چگونه بالاستمدادشان جور می آید؟ زن ها نه تنها میگردانند و باخ عرضه نداشتند بلکه حتی یکدانه آشپز قابل هم ازین خود بیرون ندادند. به من می خورد نگویید که برای این کار به زنان امکان داده نشده است. آیا واقعا زنان چنین فرصتی نداشتند که در طول تاریخ یک آشپز قابل عرضه کنند؟ زنان همین چیز با عظمتی عرضه نکردند و هیچ چیز!

تنها مطلقه که می توانم درباره زنان بگویم این است که آن ها هرگاه به قدرت رسیدند خیلی قسی تر از مرد ها بودند بسیار غلام تر از آنان و بی خونخوارتر از زنان به هنگام حکومت قسی القیابند...

شما با اصولا بکارید همه مودی هستید...
از صدا به انروزنامه نگار ایتالیایی "اویانا فالاجی"
باشاه از جمله امریکایی "جمهوری نو" مهن اسامبر
۱۹۷۱

بازم پیرامون عقب نشینی...

نگاه داشته شد بودند و آزاد شدند. هرزبه روز افراد بیشتری از این گروه آزادی می شوند. حتی چند از زندانیان که حبس های طولانی مدت داشتند و بدون دادن هیچ تمهیدی آزاد گردیدند.

این عقب نشینی از کودکی به زندان محدود نماند. انتشار آثار و های از روشنفکران و اهل اندیشه و قلم که از سال ها پیش آثار آن ها به مذاق رژیم - آنگاه شاه خوش نیامد و ممنوع القلم اعلام شده بودند و آزاد شد. فشار سانسور بر روی مطبوعات و کتاب ها و فیلم ها تا حدی - ولو اندک - کم شد و اینک رژیم آن است که پارهای از محاکمات سیاسی به نظاری رسد که رژیم زندان را برای بازید برخی مقامات و روزنامه نگاران ارجح می آراید و آماده می کند. ریشتر قصد فریب دارد تا چهره زشت و فتنه وار و در این میان کند و لنا باید ضمن انشاء نیت با این رژیم و در جهت حفظ مواضعی که رژیم از آن استفاده می نشیند و واداشتن رژیم به عقب نشینی ای بیشتر مبارزه کرد.

کد تاکنون در خفا و در دادگاه ای در بسته انجام می گرفت و علنا انجام شود.

عقب نشینی ای رژیم - اگرچه اندک - شوره تلاش و مبارزه طبقاتی قشر ای وسیعی است که از سیاست های بدخلقی و جناحکارانه رژیم شاه - ساواک به جان آمده اند و هر روز فعال تر در عرصه اجتماعی عرض وجود می کنند.

پدرند بیشتر و محبتگی و اتحاد تمامی نیروهای که با این رژیم سفاک در نبرد و تضادند می توانند این عقب نشینی را عمیق تر کنند و آن را به صورت یک روند در آورند.

صردم ایران زنده انبیاان سیاسی ه
این سرزند ان ارجمنند در بند خویش
راه می از خایلر نمی زد اینند . افتخار
باد بر اسیران زنجیر صتم استبداد
که چون کوهی در برابر دشمن پایدارند

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط مهم سرنگین ساختن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی است

نامه يك . . .

بیزرن استفاكه می‌تند . جلاذد بیا تمام ایرامی راند :

— برو پ بیزرن و زرتنه تورانم می فرستم و دست پسرمت .
 برو از امام حسین ملاقات براه .
 ناظر این صحنه از چشم و بیزرنی لبیزند . اما چکاری شود
 کرد ؟ قیلا در هر روز دل را بر بی شرف است .
 بیزرن در حالی که اشك بهنای صورتش را بر او پاشیده
 بود از آن جا دور شد . بگرشته و چهره غم انگیزش دل به
 را ریش کرده بود . آه از میان من هور آرامش زاری زد . یعنی
 از خاخران به راه او به آرامی اشک می ریختند . مادر همین
 یازدهان همبازی کعبه جسم ابد حکوم شد . است (پسر مصوی
 ناصر یازدهان که سه سال پیش تیرباران شد) را پاسیاد .
 پوشیده است می گوید :

— از جلاذد شیراز این چه انتظاری است !

مادر سنجری به يك پسرش تیرباران شده و پسر دیگرش به
 زندان ابد محکوم شده لب زندی زند . این زن مثل کوهی ماند .
 هیچ صیقلی نمی تواند او را از پای در آورد . خنده هیچ وقت
 از لب هایش در نمی شود . نشاط او و سرزندگی و روشنی پرتالو
 چشم هایش از امید بی نظمی ، از ایمان به آزادی فرزند در
 بند نبود . فرزند این سرزمین حکایت می کند .
 با هیچ زبانی نتوانسته اند روان پاک این مادر قهرمان را تبیه
 کنند . او می گوید :

— این ما دارند بادی کارند و غرور اتوفان در رو خواهند کرد
 خانم سنجری با همه غم می زند و خوش و بش می کند . بیشتر
 حرف هایش را جمع به صاف می یابی و مطلق وزندانان
 سیاسی است . به قول او : جلوی زندان اوین تیربوی آزاد
 است و می توان درباره همه مسائل جنوع حرف زد .
 او با اعتماد میماند . زنده میماند . تا تمام اعتماد
 را در دل می خورد .

او دو سال پیش که دیگر زندانیان سیاسی آزاد نمی شوند
 به تنی آنهایی که به حکم دادگاه های فرمایشی و سفاک
 مدت اسارت طولانی را تحمل کرده اند که برای آن با رتم زده اند
 سپری کرده اند . زندان در زندان نگه داشته می شوند .
 انبوه جمعیت در برور زندان اوین بیشتر شده . اما این انبوهی
 علت اساسی تردید می دارد و آن اوج نیروی نهضت و جنبش
 افراد و تشنه ای با بقا است . دید به مبارزه با این بدترین و دشمنانه
 ترین رژیم تمام تاریخ است .

به دنبال دستار و نفرزندی گروه چینی — تاریخی در
 زندان به وسیله جلاذد شاه سرزمین شهرستان اوبه ویژه
 از شیوا و شهید زندانیان و مدت حکومت آن در از مسان
 بیشتر است به اوین منتظر در داند . در آرایین با است که امین
 افراد به جای این ما زد شوند حضور املاک می شوند و هیچ
 يك از بنسنان و قاجیل و انواده آن ها امکان نمی یابد با آن
 ملاقات کنند . برای اکثر این افراد بار دیگر بروند جدید تشکیل
 می شود و اتهام دید آن انقضی بر رنده است . به این ترتیب اثر

برای تکمیل رونده بازجویی ، جوانان مدت ها نامعلومی در
 زندان نگه داشته می شوند .

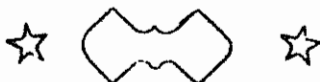
گویا بنیاد از این همه زحمت و وسعکاری و ظلم اطلاع
 ندارد و می مردم جهان فراموش کرده اند که در روی گنج نفت
 و مس و اورانیوم نمناک زمان از بد بهت ترین و محروم ترین
 ملت جهان هر روز تعدادی قربانی می گیرند و زندان های
 روز افزون و در ارباب عزیزان دلپهن خلق بر می سازد . به از دو
 سه سال پیش بولد و زرها به طهر شبانه روزی در اوین مشغول
 کارند . زندان ای چند طبقه بتونی مثل تاریخ از گوشه و
 کنا این دعهده لمتقی در حال روئیدن است . بعضی از
 خانواده ها که به اور اتفاقی توانسته اند نظری به داخل
 زندان بیاندازند ، تعریف می کنند که در زیر زمین تونل های
 عمیق برای بریاد آستن سلول های جدید زندان حفری شود .
 تعداد سلول ها زیاد می شوند و زندانی ها بیشتری شو
 و مذاقانی ها از این مرد و بیشتر . اشکها و غصه ها با تمام
 ها و در کنار این ها جلاذد ان بیشتر ، زندانبانان بیشتر و
 وسایل شکنجه بیشتر .
 زندان اوین سرسبز و خرم است . پدر و پسر یکی از زندانی
 ها می گوید :

این جا پارک فردای خلق است .

و من می رانم از است می گوید . قلبم به من اطمینان
 می دهد که این پیشگویی درستی است . بچه های سیزده
 چهارده ساله ای که اخیرا از پشت میز و میزگت های دستا
 و دبیرستان به زندان ای شاه منتقلی شوند و پرتعداد
 شان روز افزوده می شود بهترین دلیل این اطمینان من
 هستند . من يك سال است که در رفته به اوین می آیم .
 در این مدت دوستان زیادی یافتام . مردان و زنان
 بزرگی که فرزندان و دلبندهان خود را به پیشگاه عدل
 تقدیم کرده اند و با غرور و افتخار می گویند : سه پسر مد و پسر
 يك دخترم و پنج تن از اعضا خانواده ام و هفت تن
 از پسرهای قاصیل در زندان اند . من در برور صاحب آن ها
 و در عین حال و وسردی و اعتقاد و ایمان شان در د خود موفقتان
 پسر مرا فراموش کرده ام .

حالا قاصیل بزرگتری یافته ام . پسرهای من به شعار تمام
 جوانانی است که در زندانند . حتی بیشتر از این و همفکرانی
 که جان شان را بر یک گرفته اند و با این زندگی سگی رانانان و
 پاسداران جنایت پیشه آن در میکارند . در آن و پسران
 من اند . حالا دیگر آرزیم این نیست که بیخ از ترکم بکشد
 شاید زیاد در نیاشد ، بار دیگر پسر مرا ببینم و تنها آرزیم این
 است که واژگن شدن این بساط . چینی و آزادی ملت را
 ببینم . عرض در آن لحظه دیار بر اویم دشوار نیست .

اعضا محفوظ



کلاس راتستگین

بنیاد گذار روز بین المللی زنان

کلاس راتستگین یکی از برجسته ترین در بران جنبش آزادی
آلمان و یکی از بنیاد گذاران اصلی جنبش بین المللی زنان که در
هژوئی ۱۸۵۷ متولد شد و در ۲۰ ژوئن ۱۹۳۳ اوقات یافت
تعلیم در کلاسگاه. و در وقت مبارزه در راه آزادی زنان
و به ویژه زنان کرد. وی با اعتقاد به این که بدون شرکت برابر
حقوق و فعال زنان نمی توانیم از بشریت را تشکیل می دهیم
نمی توانیم جامعه های آزاد و پیشرفته را به وجود آوریم و با اعتقاد به
این که فقط در جامعه سوسیالیستی است که می توان آزادی و
برابری واقعی زنان را تأمین کرد. در این بینکارها لایحه و
آزادی بخش شرکت داشت.

در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست
کلاس را تستگین پیشنهاد کرد که روزی به عنوان روز بین المللی
زنان تعیین گردد. هدف وی آن بود که به جنبش زنان
در همه بیست و شش ملت بین المللی بدین وسیله بینکار در راه
آزادی و برابری حقوق زن را تشویق و تساند.

پیشنهاد کلاس را تستگین از طرف کنفرانس بین المللی زنان
سوسیالیست پذیرفته شد. از آن به بعد در سال ۱۹۱۰ در روز ۸
مارس زنان جهان در همین ابراز همبستگی بین المللی متناسب
با شرایط خاص و خواست های هر زنان در کشور و مراسم
برگزاری کنند.

آزادی کلاس را تستگین و همه زنان متوقی جهان در کشور
نمای سوسیالیستی تحقق پذیرفته است. به همین جهت
روز ۸ مارس در کشور های سوسیالیستی روز جشن زنان است.
در اتحاد شوروی این روز جشن عمومی و تعطیل است.
ولی در کشورهای سرمایه داری از جمله در همین مسا
ایران ۸ روز ۸ مارس روز بینکار زنان در راه آزادی و برابری حقوق
است. تودیدی نیست که این بینکار که مورد پشتیبانی مردان
زحمتکش و متوقی نیز است. سرانجام آزادی و برابری حقوق
را برای زنان این کشور را نیز تأمین خواهد کرد.

"حزب ثمان مستقیم حزب را میسر و
نمونه کمونیسم جهانی است که ره آورده
بهر روز آن حرفه نوا و ابرصه ای دیگر
فقط برای ما زنان آزادی کامل اجتماعی
و انسانی بوده است."
از سئواری کلاس راتستگین در
میوزیم همین کشور - حزب
کمونیسم اتحاد شوروی

چه کسی می خواهد من و تو ما نشویم

باز می گویم
توبه من می خندی
من مدام و ادم زد: باز کن پنجره را
پنجره را می بندی.

با من اکنون چه نشستن ها می خوانی
با تو اکنون چه فراموشی است.
چه کسی می خواهد من و تو ما نشویم
خاندانش و بران باد.

من اگر ما نشویم و تنهایم
تو اگر ما نشوی مخوش نه ای
از کجا که من و تو شهریک پارچی را در شهر
باز می کنی
از کجا که من و تو شست رسوایان را وانگیم
تو اگر بخیزی من اگر بخیزم همه بوی خیزند
تو اگر نشینی من اگر نشینم
چه کسی بخیزد چه کسی با نشینم
چه کسی پنجه در پنجه در رویه به در آوریم.

دست نام تو را می گویند
کوه ها شعر مرا می خوانند
کوه باید شد و ماند
رود باید شد و رفت
دست باید شد و خواند.

در من این جلوه اند و چیست
در تو این همه پریشانی که چه
در من این شعله عصیان نیماز
در تو در سهری پائیز که چه

حرف را باید زد
در را باید گفت
سخن از مهر و جوهر تو نیست
سخن از طلا می شد ز دست است
بخت بودن بند آرزو و مهر
آشنایی با شورو جده ای با درد
و نشستن در بخت فراموشی یا غرق غم

سینما آینه ای است یا قباری از خم
توبه لبخندی از این آینه بزای غبار

آسمان تویی دست مرا
برخ درستان تو پر می سازد
آه مگر ارکه درستان من آن
اعتقاد می که به درستان تو در
به فراموشی های بسیار
آه مگر ارکه حوقان سپید دستت
دست پر مهر مرا سرد و تپه بگذارد.

من چه می گویم آه
با تو اکنون چه فراموشی است
با من اکنون چه نشستن ها می خوانی
تو صد ارکه خاموشی من دست برستان فراموشی من.

تو اگر نشینی من اگر نشینم چه کسی بخیزد
چه کسی؟

خبرها

عیدی شاه به کارگران

عیدی شاه به کارگران ایران توسط جاسوس معلوم الحال روسوای او، آزمون، که در اس وزارت کار قرار گرفته، داده شد. آزمون در جلسه شیرکارفرمایان واحد های پوزیک صنعتی که در اتاق بازگانی ایران تشکیل شد، علیه کارگران به کارفرمایان طامع چراغ سبز نشان داد و متذکر شد که پرداخت سود ویژه به کارگران يك اصل حتمی و غیر قابل اجتناب نیست. سود ویژه با بهره دومی کار ارتباط مستقیم دارد و واحد هایی که بهره دومی کارگران در حدی نیست که سود قابل ملاحظه ای عاید کارخانه کند، نباید در پیاری بابت سود ویژه به کارگران پرداخت شود؛ و اصولاً پرداخت سود ویژه و غیر آن، وابسته به میزان بهره دومی کار است.

به دنبال این برهنه شدن آزمون، در بسیاری از کارخانه ها اعلام شد که کارخانه به علت زیان قادی به پرداخت سود ویژه نیست، و در دیگر واحدهای تولیدی نیز میزان سود ویژه نسبت به سال های گذشته کاهش چشمگیری یافت. میراث کارفرمایان در تعیین میزان سود ویژه آزادی عمل نماند و میباید که این تصمیم عند کارگزاران، به چنان هیچان و دشمنی در کارگران برانگیخته که حتی "راشدی" هم دیگرک سبب بگردن کارگران، به عنوان اعتراض یاد آور شده است، که سیاست جدید به جهت شورش و اعتراض صاحبان کارخانه ها، زار دار گردید.

بی شک کارگران در برابر توطئه های نوبتی رژیم علیه منافع خود ساکت نماندند و نشست و ایستادند و با اوج خروشان مبارزات اعتراضی و اعتدایی آن در مردم، واکنش شکست دادند.

بسیکاری روز افزون کارگران

در شهر کارگری قزوین از سبیده، دم صبح همان و مرد بیکار که سال حاضر در اردن کارخانه های ایران و در خدمت سرمایه داران برای لقمه نانی تلف کردند، مقابل اداره کاربایی جمع می شوند تا مسئولین این اداره، برایشان کاری پیدا کنند. تا مدت های پیش از این، وقت اداری نیز صرف کارگران بیکار در مقابل این اداره به چشم می خورد. و آنکاه که کارگران به مسئولین کند کار این اداره اعتراض می کنند که چرا برایشان کاری نمی آورند روزی که بیژن رویار است، مالی بخانه بروند از کجا باید بیرونند، ماموران اداره با عکازی پلیس با توتو آن را متفرق می سازند تا با یاد از روزی که صبح طویل تری از بیکاران تشکیل شود. روزی از طریق این اداره که زیر نظر صد تقیم ساواک، مالی کاری کند تمدد می کارگری کارخانه های بی شهر صندقی قزوین فرستاده می شوند اما همه کسانی که بکارخانه

معرفی می شوند نمی توانند امید واریا شوند که به کار مشغول می شوند زیرا کارفرمایان از میان کارگران معرفی شده کسانی که جوان تر هستند و توان جسمی بیشتری دارند، و بریا کارگرانی که چندین سال سابقه کار و مهارت دارند و در ضمن به تأیید ساواک و اداره کاربایی سابقه شرکت در مبارزات اعتراضی، اعتدایی و سیاسی نداشته باشند، انتخاب می کنند و تازه چنین کارگرانی را بدون توجه به سابقه کارشان، در صورت داشتن تجربه و مهارت با روزی ۱۸/۵ تومان و بدون آن با روزی ۱۲/۵ تومان استخدام می کنند. در چنین شرایطی است که مردم از کمبود حقوق انسانی و کمبود کارگر ماهر می زند و از گره غلبه بیرون نیاکند تا و کشور های ارتجاعی دیگر برای کمک به مشکلات اقتصادی آن تا و با بیگونی کردن صفوف کارگران ایران بکارگرفته ایران وارد می کنند و به آن ها دستمزدهای گزافی که چندین برابر دستمزدهای کارگران مشابه ایرانی است می پردازند.

سج تصفیه هوا در کارخانه آبگینه قزوین

اخیراً کارخانه آبگینه قزوین رايك سرمایه دار جدید از سرمایه دار قبلی خریداری شده است، و به قول خودش برای سامان دادن به مدیریت آن و جلوگیری از اعتصاب ها و اعتراض های کارگران که سرمایه دار قبلی را قلع کرده بود، دست به یک سلسله تصفیه در واحدهای مختلف این کارخانه زده است. اخراج کارگران قدیمی و کارگرانی که به دلیل تخصص منحصر فشان از دیگران بیشتر است، از سیاست های جدید مدیریت کارخانه آبگینه قزوین است. به دستور صاحب جدید، تاکنون ده ها کارگر در پیله که سال ها در این کارخانه کار کرده بود، صورت کارگران مشخص و تحصیل کرده در آمده بودند، به دلیل این که آگاهی نسبی دارند و این آگاهی را به کارگران دیگر منتقل می کنند، و همین که حقوقشان بیشتر از حقوق کارگران ساده است اخراج شده اند. اخراج این کارگران به بهانه های عجیب و دادن دوا و نظارتی به کارگران که امکان اخراج آن ها را فراهم می کند صورت گرفته است. طبق قانون کار، کارفرما می تواند کارگر را در صورت داشتن دوا و نظارت این کارفرما اخراج کند. این اخراج با ظاهراً به سود دومی کارخانه نیز می افزاید زیرا کارگران جدیدی که به جای اخراج شده ها استخدام می شوند، حقوق بسیار کمی پرداخت می شود که حد اکثر ۱۸/۵ تومان است.

اسلحه کارگران مبارزات مسلح و وسیع صنفی و سیاسی و طبقاتی است

اعتصاب دانشجویان دانشگاه تبریز

در نیمه اول بهمن ماه دانشجویان دانشگاه تبریز به عنوان اعتراض به بسته شدن شرکت تعاونی دانشجویان این دانشگاه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب دانشجویان پس از حمله گارد و مأموران ساواک به اعتصابیون همراه شور و هیجانی در ده ها دستگیر و پسر دانشجویی صریح شدند. عده ای از دانشجویان نیز دستگیر شدند که از سر نوشت آن با اطلاعی در دست نیست. در ضمن به دستور ساواک پیش از بد نفر از تحصیل محروم شدند که عده ای از آن ها به سر باز زده ها فرستاده شدند. ساواک برای مخالفت با هرگونه اجتماع دانشجویان به دانشگاه های مختلف دانشگاه ها دستور داده است که شرکت های تعاونی دانشجویی و انجمن های کتاب و کورنود و غیره تعطیل شود. همچنین به دستور ساواک فروشگاه های تعاونی باید توسط دانشگاه و کسانی که ساواک معرفی می کند اداره شوند و در حالی که دانشجویان معتقدند این فروشگاه ها باید به شکل شرکت تعاونی اداره شوند. از ابتدای سال تحصیلی جاری در تمام دانشگاه های ایران نسبت به این عمل ساواک واکنش نشان داده شده است که از آخرین آن دانشگاه تبریز است.

تظاهرات ابتکار در دانشجویان شیراز در روز هاشورا

اسفند روز دهم به نام محرم (عاشورا) هنگام برگزاری مراسم عزاداری در شیراز دانشجویان دانشگاه پهلوی با استفاده از یک جمعیت خوب در جمع عزاداران شرکت کردند و با طرح شعارهای صهیونست و مبارزه با مقاومت در لیرانه شهدای گریلا در برابر جرم و ستم حکام زمان توجه مردم را به لزوم مبارزه با رژیم فاسد و چهارگونی جلب کردند. دانشجویان که در صفوف منظم به همراه دیگر دسته های عزاداری در تظاهرات مذهبی روز عاشورا شرکت کرد، بودند مأموران انتظامی را در برابر عمل انجام شده قرار دادند. آن ها در یک فرصت مناسب شعارهای تودم ای و صهیونی را که قبلا تهیه کرده روی پرچم های عزاداری نوشته بودند در میان جمعیت باز کرده و داخل صفوف عزاداران پسر با لای سرخود گرفتند. مدت طول کشید تا مأموران شهربانی ساواک که با عزاداران حرکت می کردند از متن پرچم مطلع شوند و این زمانی بود که شعار دهندگان پرچم ناراضه دست دیگران و مخصوصا کودکان خردسال داده بودند و خود به میان جمعیت فرو رفته بودند. این ابتکار عمل در زاران نفر از مرد شیراز تاثیر مثبتی به جای گذاشت و آن زمان آن را پیش از پیش به مبارزه بانیرودنی از یعنی کونی رژیم شاه جانی متوجه ساخت.

مبارزات اعتراضی و اعتراضی در دانشگاه های ایران

به دنبال اعتصاب های هفت ماهه ای آخرین سال اول دانشگاه های ایران که از ۱۶ آذر شروع شده بود اکنون با آغاز ثبت نام نیم سال دوم در دانشگاه ها دانشجویان متوجه غیبت همکلاسی های خود که به چنگ ساواک گرفتار آمده اند و محروم شدن هم کلاسی ها از دانشجویان به دلیل شرکت در اعتصاب شده اند.

خبر محرومیت و دستگیری هم کلاسی ای از دانشجویان در دانشگاه های مختلف دانشگاه های ایران موجب اعتراض را صیحب گردیده است. از جمله در دانشگاه فلسفی دانشگاه تهران به دنبال اوج اعتراض دانشجویان سال اول این دانشگاه ضحل شده است و واحد های دانشجویان را قبول نکردند. دانشجویان باید از نو ثبت نام کنند و واحد های نیم سال اول را بگذرانند.

در دانشگاه علوم دانشگاه تهران نیز دانشجویان که به هنگام ثبت نام برای نیم سال دوم متوجه دستگیری نفر از همکلاسی های خود و محروم شدن دوازده نفر دیگر از اعتراض به سر باز زده ها شده بودند شروع به اعتراض کردند. دانشجویان این دانشگاه تصمیم گرفتند تا آزادی و بازگشت دوستانشان از حضور در کلاس بطور داری کنند.

همزمان با اعتراض ای دانشجویی و محرومیت ساواک به دانشگاه تبریز از دانشگاه تبریز نیز خبری رسد که در جریان اعتصاب های اخیر این دانشگاه که از ابتدای سال به دلیل قطع کسک هزینه تحصیلی آغاز شد و در ۱۶ آذر به اوج خود رسید عده زیادی صریح شده و احیانا چند نفری بر اثر هجوم پلیس به دانشگاه گشته شده اند. تعداد محروم و دستگیر شدگان این دانشگاه از ۱۵۰ نفر گذشته است و هنوز کلاس های نیم سال دوم این دانشگاه به دلیل اعتراض دانشجویان به دستگیری هم کلاسی هایشان تشکیل نشده است و پلیس و گارد دانشگاه در دانشگاه باصتقو هستند.

همچنین از اعزاز خوبی رسد که در جریان مبارزات آغاز سال تحصیلی دانشگاه جندی شاپور که منجر به صیحبشانه پلیس به دانشگاه و دستگیری عده زیادی از دانشجویان شد یک دستگیر دانشجویی گشته شده است. در جریان هجوم مأموران شاه پیش از صد دانشجویی به شدت صریح شدند. اعتصاب دانشگاه جندی شاپور را عواض به دنبال دستگیری یکی از دانشجویان این دانشگاه هنگام مطالعه در اتاق دکتر مهدوی و از استادان دانشگاه توسط مأموران ساواک آغاز کردید و دکتر مهدوی به عنوان اعتراض به این عمل از سمت خود استعفا داد. دکتر مهدوی در استعفا خود عنوان کرد که کتاب مورد مطالعه دانشجویی دستگیر شده از کتاب های

خدمات اوتاج در آذربایجان به حدی است که گاه حتی عناصر مورد اعتماد رژیم را نیز مجبور به اعتراض می کند. اینها دکتر فتح موسوی رئیس انجمن شهر تبریز در جلسه انجمن استان تابلوی ننگینی از وضع فلاکت بار آذربایجان که به واسطه سوابق درخشان آزاد یخواهی مردمش و رژیم با بی اعتنائی خصوصاً آمیزی به صایب و مشکلات آن برخورد می کند توصیف کرد.

دکتر موسوی وضع کشاورزی و شرایط زندگی روستائیان آذربایجان را چنین توصیف کرد:

آذربایجان به یک جامعه صرفی تبدیل شده است. نبودن راه آب و سایل مدرن کشاورزی و سرمایه گذاری امکان کشاورزی به دلیل نبودن راه و دستمزدی به بازار و عدم حمایت از کشاورزان همین نقطه زرخیزند که به انباشته ایران شهرت داشت نابود گردید.

فقط در منطقه شهرستان میانه ۲۸۴ روستا راه ندارند و رساندن مواد غذایی به این روستاها در طول سال و به ویژه در زمستان که به واسطه برف و کولاک کوره راه آنها هم بسته می شوند، بسیار مشکل و گاه غیر ممکن است. در تمام این روستاها به دلیل نبودن پزشک و دارو و سایر امکانات درمانی روستائیان باید بيماران خود را پای پیاده به شهرها و مراکز بخش ها بفرستند و این هم به هنگام بسته شدن کوره راه آنها نامکن می گردد. فقط در شهرستان میانه در زمستان گذشته ۹۵ هزار نفر در محاصره برف قرار گرفتند.

در مورد وضع بد آموزش و کمبود معلم و مدرسه نیز دکتر موسوی اظهار داشت که در تبریز در هر دو مدرسه سه سه ساله و چهار ساله کاری کنند و کمبود معلم و مدرسه به شدت محسوس است. در میانه دبستانی که چهار سال پیش ساخته شده به هنوز روی آموزگار به خود ندیده است.

رژیم کارگران را از سود ویژه محروم میکند

اخیراً به کارگران کارخانه های صنایع پشم و شپناز اصفهان که دولت اداره آن آنها را بعهده دارد اطلاع داده شد که سود ویژه اصنام پرداخت نمی شود زیرا کارخانه پول ندارد. کارگران ضمن اعتراض به مدیر کارخانه تأکید کردند که اکنون کارخانه روزانه ۵۰۰۰ متر افزایش بافت دارد و چگونه می شود که پول برای پرداخت سود ویژه و عیدی ما نداشته باشد. این کارخانه ما محصولات خود را حتی برای یکسال بصد هم پیش فروش می کند.

نمایندگان کارگران با مدیر کارخانه و رئیس اداره کار اصفهان به مذاکره پرداخت کار به مشاخره و دعوا کشیده و منجر به مداخله ساواک گردید. فعلاً مسئله به وزارت کار (در تهران) احاله شده است. لازم به یادآوری است که تمدد ادبار کارگران صنایع پشم / ۱۲۰۰ و شپناز / ۲۰۰۰ نفر است.

مجاز و متعلق به کتابخانه دانشگاه بوده است و وثائقی مطالعه در حضور وی در اتاق افسران گرفته است. امتحان دانشجویان دانشگاه جندی شاپور که یکی از خونین ترین اعتصاب های سال تحصیلی جاری بود حتی منجر به اعتراض دکتر جامعی رئیس دانشگاه شد و گویا تا مهیله طی تلگرافی از این بیرون وحشیانه به شاه شکایت کرده و اعتراض کرده است.

نارنجایی در درون ارتش استوار می یابد

اینرا اطلاعیه ای از طرف ارتش صادر شده و به تمام واحدهای صلح کشور ابلاغ گردید که گاه از پنهان شدن یک افسر ارتش نیروی زمینی بگریزند. این افسران درجه سرهنگ، دوید و اردو اهل آذربایجان است. بر اساس اطلاعیه ارتش این افسر در آجودانی بهداری ارتش وابسته به نیروی زمینی کاری کرده است و آن طریقه اطلاعیه می گوید هنگام فرار چند قبضه اسلحه کمری و مقداری فشنگ با خود برده است.

در سال های اخیر این نخستین بار نیست که افسران و درجه داران ارتش به دلیل نارنجایی از روابط حاکم بر ارتش و نقض خدمت بی آن یا از ارتش ریخته اند و بیا به دلیل مخالفت با رژیم تحت تعقیب قرار گرفته اند و گاه پنهان یا آشکاراً تیرباران شده اند.

از جمله این ارتشیان میهن پرست، علی صبحی بود که پسران گریز از ارتش و مدت ها در تبعید پنهانی در یکی از ایالت های شمالی و توسط ساواک تور و شد و سران آجودانی مجید فرود نیا که خبر اعدام وی به بهانه خیانت در روزنامه های دستوری ایران چاپ گردید. و بسیاری از افسران میهن پرست دیگری که در دادگاه های درسته ساواک - شاه محاکمه و به طور پنهانی تیرباران شده اند حقیقت این است که نارنجایی در ارتش عدالتی ایران روزه روز این بیشتر می آید و افسران میهن پرست از حضور ارباب مآبانه نظامی آمریکا در ارتش ایران و وصلت ندمردی و ارتجایی ارتش به ستوه آمده اند.

نصوداری از وضع استان آذربایجان امروز

آذربایجان که زمانی از پیشرفته ترین مناطق ایران بود امروز با اقتصاد عقب مانده، شامیزی ربه روشکست و فقر و زنده نرایی در تان و بی سواد و کمبود امکانات آموزشی و ستم ملی و ترور و انتقام شدید فرنگی و سیاسی مشخرفی شو